

کیفیت حجاب زنان بر اساس آیات و روایات

حسین رحمانی تیرکلایی*

تاریخ دریافت: ۹۸/۱۲/۲۳

تاریخ پذیرش: ۹۹/۴/۱۶

چکیده

زنان در دوران جاهلیت فاقد کرامت انسانی لازم بودند و نگاه تحقیرآمیز یا ابرزاری بدان‌ها، ایشان را مبدل به کالایی برای کامجویی و جلب منافع بیش‌تر نموده بود. با ظهور اسلام، ابعاد گسترده‌ای از احکام در راستای احیای کرامت زنان قرار داده شد که از جمله مهم‌ترین آن‌ها، مسأله حجاب بود. فرهنگ سازی صحیح این مسأله در جامعه نیازمند درک صحیح و جامعی از این مقوله است که این ضرورت نگارنده را به تبیین کیفیت حجاب زنان در این تحقیق واداشته است. این تحقیق مشتمل بر واکاوی زینت زنان، کیفیت پوشش ایشان و کیفیت نگاه به آن‌ها بوده و نگارنده بدین نتیجه رسیده است که خداوند در وجود زن، زیبایی‌هایی را به ودیعت نهاده است که ابراز و اظهار آن در برابر دیدگان اجنبی، سبب فسادهای گسترده در حوزه فردی و اجتماعی خواهد شد. به همین سبب آیات و روایات شریفه به تبیین کیفیت پوشش زنان از ناحیه رسالت زنانگی و کیفیت نگاه بدان‌ها از ناحیه رسالت مردانگی پرداخته است تا این مهم تحقق پذیرد.

کلیدواژگان: زن، حجاب، پوشش، زینت، نگاه.

مقدمه

در نظام سیاسی اسلام نقش و جایگاهی که برای زنان در عرصه سیاسی و اجتماعی مشخص شده، کم‌تر از مردان نیست. برای مشارکت زنان در این عرصه، راهکارهای مختلفی مطرح است که یکی از آن‌ها مسأله بیعت است. همچنین جهاد و هجرت از عناصر مهم فرهنگ سیاسی اسلام است که زنان مسلمان هم‌پای مردان در این عرصه حضور داشتند. اما این مشارکت پیرو شرائطی بوده که کاملاً هم‌سو و منطبق با نوع خلقت و ساختار وجودی آنان است. زنان از زیبایی‌هایی ظاهری‌ای در خلقت خود برخوردارند که خداوند متعال بنا بر مصلحتی در وجود ایشان به ودیعت گذاشته و در شریعت، موارد مجاز به ارائه این زیبایی تبیین و ترسیم شده است، از این روی بوده که آنان در غیر موارد حلال، لازم است حجاب را رعایت نمایند تا این زیبایی‌ها از نگاه نامحرم مصون داشته شود. علاوه بر این، حجاب سبب آرامش فکری، روانی و روحی خود زن خواهد شد. در این اثر با نگاهی مبتنی بر آیات و روایات حدود حجاب اعم از چیستی مسأله زینت و جایگاه آن در حجاب زنان، کیفیت پوشش آن‌ها و کیفیت نگاه بدان‌ها مورد بررسی قرار گرفته است.

پیشینه تحقیق

از جمله آثار هم‌سو با موضوع که به نوعی جزء پیشینه این اثر محسوب می‌شوند، می‌توان به موارد ذیل اشاره داشت؛ «مسأله حجاب» اثر شهید مطهری که در سال ۱۳۸۰ توسط انتشارات صدرا به چاپ رسیده است؛ نگارنده در این اثر به دنبال تبیین چارچوبی جامع از چیستی، ضرورت و پیامدهای منفی آن از نگاهی دینی و متکی به مسائل روز جامعه بوده است. همچنین «فلسفه حجاب» اثر حسین مهدی‌زاده که در سال ۱۳۹۰ توسط انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) به چاپ رسیده است؛ در این اثر نویسنده، به دنبال واکاوی فلسفه و علت لزوم گرایش جنس مؤنث، به حجاب بوده و در طی آن، بدین مسأله پرداخته که حدود و ثغور حجاب به چه علتی اینگونه از جانب شریعت تبیین شده است. و پوشش اسلامی؛ چالش‌ها و راهکارها اثر حسین بنیان که در سال ۱۳۹۳

توسط نشر سوره مهر منتشر شده است؛ در این اثر، نویسنده چالش‌های روز حجاب در جامعه اسلامی و راهکارهای بهره‌گیری از حجاب و کنار زدن این موانع را مورد تبیین و بررسی قرار داده است و «حجاب‌شناسی؛ چالش‌ها و کاوش‌های جدید» اثر جمعی از نویسندگان که در سال ۱۳۸۳ توسط بوستان کتاب منتشر شده است؛ نگارندگان در این اثر، کوشیده است چارچوبی کامل از ابعاد مختلف حجاب ارائه داده و از نگاهی نو و امروزی به مسأله حجاب نگاه کند. اما کتاب و مقاله‌ای مستقل که به کیفیت حجاب از منظر روایات و آیات پرداخته باشد، انجام نگرفت.

مفهوم‌شناسی حجاب

به گفته اهل لغت این واژه به صورت متعدی و به معنای در پرده قرار دادن به کار می‌رود. حجب فعلی متعدی است و به معنای مانع شدن به کار می‌رود. به پرده، حجاب می‌گویند، زیرا مانع از دیدن است، و به دربان، حاجب گفته می‌شود، زیرا وی مانع از ورود افراد است. این واژه در اصل بر موانع جسمانی اطلاق می‌گردد، ولی برخی مواقع به موانع معنوی نیز حجاب گفته می‌شود (مصطفوی، ۱۳۸۴، ج ۵: ۳۷۶).

حجاب در علوم چون عرفان و طب و شاید دیگر علوم، اصطلاح خاصی دارد اما در مسأله مورد بحث این نوشتار که مسأله‌ای فقهی است دارای معنای خاصی نیست. این واژه در فقه در معنای لغوی خود که همان پرده حائل میان دو چیز باشد به کار رفته و معنای جدیدی برای آن ایجاد نشده بود. در دوران متأخر این واژه معنای اصطلاحی خاصی پیدا کرده و به پوشش خاص زنان اطلاق شده است. شهید مطهری در این باره می‌فرماید: «استعمال کلمه حجاب در مورد پوشش زن اصطلاح نسبتاً جدیدی است. در قدیم و مخصوصاً در اصطلاح فقها کلمه ستر که به معنی پوشش است به کار می‌رفته است. معنی شایع لغت حجاب، پرده است و اگر در مورد پوشش به کار برده می‌شود به اعتبار پشت پرده واقع شدن زن است و همین امر موجب شده که عده زیادی گمان کنند که اسلام خواسته است زن همیشه پشت پرده و در خانه محبوس باشد و بیرون نرود. پوشش زن در اسلام این است که زن در معاشرت خود با مردان بدن خود را بپوشاند و به جلوه‌گری و خودنمایی نپردازد. آیات مربوطه همین معنی را ذکر می‌کند و

فتوای فقها هم مؤید همین مطلب است... در آیات مربوطه، لغت حجاب به کار نرفته است. آیاتی که در این باره هست چه در سوره مبارکه نور و چه در سوره مبارکه احزاب حدود پوشش و تماس‌های زن و مرد را ذکر کرده است بدون آنکه کلمه حجاب را به کار برده باشد. آیه‌ای که در آن کلمه حجاب به کار رفته است مربوط است به زنان پیغمبر اکرم است» (مطهری، ۱۳۸۲، ج ۲۱۶: ۵).

زینت زنان

خداوند حکیم احکام را بر اساس مصالح انسان‌ها وضع می‌نماید تا از این طریق زیست مؤمنان بر اساس معیارهای زندگی طیب و پاک باشد و با مظاهر شیطانی که زیست مؤمنان را به خطر می‌اندازد مقابله می‌کند؛ از این رو خطاب به بانوان مؤمن فرمایشاتی را دارد. قرآن کریم در این باره می‌فرماید:

﴿وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ... وَلَا يُدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلَا يَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ آبَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ أَبْنَائِهِنَّ أَوْ أَبْنَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنَاتِهِنَّ أَوْ بَنَاتِ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ سَائِمَاتٍ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ أَوِ التَّابِعِينَ غَيْرِ أُولِي الْإِرْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ أَوِ الطِّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَى عَوْرَاتِ النِّسَاءِ وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾ (نور/ ۳۱)

«و به زنان باایمان بگو: ... و زینت خود را [مانند لباس‌های زیبا، گوشواره و گردن بند] مگر مقداری که [طبیعتاً مانند انگشتر و حنا و سرمه، بر دست و صورت] پیدا است [در برابر کسی] آشکار نکنند، و [برای پوشاندن گردن و سینه] مقنعه‌های خود را به روی گریبان‌های‌شان بیندازند، و زینت خود را آشکار نکنند مگر برای شوهرانشان، یا پدرانشان، یا پدران شوهرانشان، یا پسرانشان، یا پسران شوهرانشان، یا برادرانشان، یا پسران برادرانشان، یا پسران خواهرانشان، یا زنان [هم کیش خود] شان، یا بردگان زر خریدشان، یا خدمتکارانشان از مردانی که ساده لوح و کم‌عقل‌اند و نیاز شهوانی حس نمی‌کنند، یا کودکانی که [به سن تمیز دادن خوب و بد نسبت به امیال جنسی] نرسیده‌اند. و زنان نباید پاهای‌شان را [هنگام راه رفتن آنگونه] به زمین بزنند تا آنچه از زینت‌های‌شان پنهان می‌دارند [به وسیله نامحرمان]

شناخته شود. و [شما] ای مؤمنان! همگی به سوی خدا بازگردید تا رستگار شوید»

این آیه شریفه بعضی از محارم را ذکر نفرموده مثل عمو(عموی خود و عموی پدر و عموی مادر) و دایی(دایی خود و دایی پدر و دایی مادر) و داماد که شوهر دختر باشد و شوهر مادر که به اصطلاح ناپدری باشد. «وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا»؛ زینت زنان دو گونه است نخست زینت‌هایی که تا زن آن‌ها را آشکار نکند، آشکار نمی‌شوند؛ مانند گوشواره، گردنبند، موی سر، لباس‌های زینتی که زن از زیر لباس ظاهری می‌پوشد و مانند آن، این زینت‌ها به حکم «وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ»، آشکار نمودنش حرام است، البته آنگاه که زن آن‌ها را پوشیده باشد و گرنه نشان دادن آن‌ها به تنهایی حرام نیست.

دیگری زینت‌هایی است که قهراً برای رفع حوائج مادی آشکار می‌شوند، مانند سرمه چشم، خضاب دست، انگشتر، لباس تازه که زن از رو پوشیده است و مانند آن، مثلاً زن اگر قسمتی از صورت خود را نیز پوشیده باشد موقع راه رفتن یا خریدن چیزی سرمه چشم او دیده خواهد شد، یا موقعی که می‌خواهد جنسی را از جا بردارد خضاب دست و انگشترش دیده خواهد شد و هكذا؛ علی هذا بحکم «إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا» پوشاندن این زینت‌ها واجب نیست. ناگفته نماند اینکه گفته شد پوشاندن آن‌ها بر زنان واجب نیست نتیجه‌اش آن نخواهد بود که بر مردان نگاه کردن جایز است، زیرا حکم «قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَعْضُوا مِنْ أُنْصَارِهِمْ»؛ به مردان مؤمن بگو: چشمان خود را [از آنچه حرام است مانند دیدن زنان نامحرم و عورت دیگران] فرو بندند) به قوت خویش باقی است(قرشی، ۱۳۷۷، ج ۷: ۲۱۱).

امام صادق(علیه السلام) درباره «إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا» فرمودند: «الزَّيْنَةُ الظَّاهِرَةُ الْكُحْلُ وَالْخَاتَمُ؛ زینت آشکار، سرمه و انگشتر است»(کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵: ۵۲۱). نیز از حضرت صادق(علیه السلام) پرسیدند: کدام قسمت زن نامحرم اگر مرد آن را دید، دیدنش حلال است؟ آن حضرت فرمودند: «الْوَجْهُ وَالْكَفَّانِ وَالْقَدَمَانِ؛ صورت، دو دست و دو پا» لازم به ذکر است که نگاه کردن به این موارد در صورتی که با قصد لذت شهوانی باشد حرام است(فلاح‌زاده، ۱۳۹۰: ۱۴۴). امام باقر(علیه السلام) در خصوص «وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا» به نقل از «تفسیر قمی» فرمودند: «فَهِيَ الثِّيَابُ وَالْكَحْلُ وَالْخَاتَمُ وَخِصَابُ

الْكَفِّ وَالسَّوَارِ، وَالزَّيْنَةُ ثَلَاثٌ: زَيْنَةٌ لِلنَّاسِ وَزَيْنَةٌ لِلْمَحْرَمِ وَزَيْنَةٌ لِلزَّوْجِ، فَأَمَّا زَيْنَةُ النَّاسِ فَقَدْ ذَكَرْنَاهُ، وَأَمَّا زَيْنَةُ الْمَحْرَمِ فَمَوْضِعُ الْقِلَادَةِ فَمَا فَوْقَهَا وَالذَّمْلُجُ وَمَا دُونَهُ وَالْخَلْخَالُ وَمَا أَسْفَلَ مِنْهُ وَأَمَّا زَيْنَةُ لِلزَّوْجِ فَالْجَسَدُ كُلُّهُ؛ مَنْظُورٌ مِنْ زِينَتِهَا ظَاهِرٌ، لِبَاسٌ، سِرْمَةٌ، أَنْكَشْتَرٌ، حِنَايُ دَسْتٍ وَدَسْتَبِنْدٌ اسْت. وَ زِينَتٌ بِرِ سَهٍ قِسْمٌ اسْت: يَكِي زِينَتِي كِه بَرَايِ مَرْدَمِ اسْت، دِيْغَرِي بَرَايِ مَحْرَمِ، وَ سُمِي بَرَايِ هَمْسَرِ اسْت، اَمَّا زِينَتِهَايِي كِه بَرَايِ مَرْدَمِ اسْت رَا بِيَانِ نَمُودِيْمِ، اَمَّا زِينَتٌ بَرَايِ مَحْرَمِ، جَايِ گَرْدَنْبِنْدِ وَ بَالَا تَرِ ازِ اَنِّ، جَايِ النِّگُو تَا پَايِيْن تَرِ ازِ اَنِّ وَ جَايِ خَلْخَالِ تَا پَايِيْن تَرِ ازِ اَنِّ اسْت، وَ اَمَّا زِينَتُ زَنِّ بَرَايِ هَمْسَرِ، تَمَامِ بَدَنِ اَوْسْتِ «قَمِي»، ۱۳۶۷، ج ۲: ۱۰۱).

یکی از زینت‌های زنان، موی آن‌ها است که نباید در برابر نامحرم آشکار شود از جمله روایاتی که بیانگر این مسأله هستند عبارت‌اند از:

۱- ۲- عَنْ الْفُضَيْلِ بْنِ يَسَارٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) عَنِ الدَّرَاعَيْنِ مِنَ الْمَرْأَةِ أَمْ هُمَا مِنَ الزَّيْنَةِ الَّتِي قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: «وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ...»؟ قَالَ: نَعَمْ وَمَا دُونَ الْخِمَارِ مِنَ الزَّيْنَةِ وَمَا دُونَ السَّوَارِيِّنِ. (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵: ۵۲۱): فَضَيْلٌ بِنِ يَسَارٍ ازِ اِمَامِ صَادِقِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) دَرِ خُصُوصِ سَاعِدِ زَنِّ مِي پَرَسِدِ كِه اَيَا جِزْءِ زِينَتِ مَحْسُوبِ مِي شُودِ كِه خُداوَنَدِ دَرِ قُرْآنِ مِي فَرْمَايِد: «وَ زَنانِ زِينَتِ خُودِ رَا اَشْكَارِ نَكُنْدِ مَگَرِ بَرَايِ شُوهَرانِشان...»؟ اَنِّ حُضْرَتِ فَرْمُودَنَد: «بَلِهِ هَمِيْنِ گُونِهِ اسْت وَ اَنْچِهِ بِهِ وَسِيْلِهِ اَنِّ سَرِ وَ گَرْدَنِ وَ دَسْتانِ، پُوشانْدِهِ مِي شُودِ، جِزْءِ زِينَتِ مَحْسُوبِ مِي شُوند.» دَرِ اِيْنِ رُوايَتِ "ما دُونَ الخِمَارِ"، كِه ازِ اَنِّ جَمْلِهِ مَوْ اسْت، جِزْءِ زِينَتِ زَنِّ بِهِ شَمَارِ اَمْدِهِ كِه بَايِدِ ازِ نَامَحْرَمِ پُوشِيْدِهِ بَاشَد.

۲- ۲- عَنْ مَسْعَدَةَ بِنِ زِيَادٍ قَالَ سَمِعْتُ جَعْفَرًا وَسُئِلَ عَمَّا تُظْهِرُ الْمَرْأَةُ مِنْ زِينَتِهَا. قَالَ: «الْوَجْهَ وَالْكَفَّيْنِ» (حَرَامِلِي، ۱۴۰۹، ج ۲۰: ۲۰۲): مَسْعَدَةُ بِنِ زِيَادٍ ازِ اِمَامِ صَادِقِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) ازِ اَنْچِهِ كِه مَجازِ اسْت ازِ زَنانِ ظَاهِرِ وَ اَشْكَارِ شُودِ پَرَسِشِ نَمُودِ وَ اَنِّ حُضْرَتِ چُنِيْنِ فَرْمُودَنَد: «صُورَتِ وَ كَفِّ دُوسْت.» دَرِ اِيْنِ رُوايَتِ بَرِ اسَاسِ اَيِهِ قُرْآنِ كَرِيْمِ، مَسْتَنْثِيَاتِ اَنْچِهِ كِه نَبَايِدِ اَشْكَارِ شُودِ بِيَانِ شُدِهِ كِه مَوْ جِزْءِ اَنْها نِيَسْت.

۲- ۳- وَسَأَلَهُ الْمُفَضَّلُ بْنُ عُمَرَ فَقَالَ لَهُ جُعِلَتْ فِدَاكَ مَا تَقُولُ فِي الْمَرْأَةِ تَكُونُ فِي السَّفَرِ مَعَ الرَّجَالِ لَيْسَ فِيهِمْ لَهَا ذُو مَحْرَمٍ وَلَا مَعَهُمْ امْرَأَةٌ فَتَمُوتُ الْمَرْأَةُ مَا يُصْنَعُ بِهَا؟ قَالَ:

«يُغَسَّلُ مِنْهَا مَا أُوجِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمُ التَّيْمَمَ وَلَا تَمَسُّ وَلَا يُكْشَفُ لَهَا شَيْءٌ مِنْ مَحَاسِنِهَا الَّتِي أَمَرَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِسِتْرِهَا» فَقَالَ لَهُ: كَيْفَ يُصْنَعُ بِهَا؟ قَالَ: «يُغَسَّلُ بَاطِنُ كَفِّهَا ثُمَّ يُغَسَّلُ وَجْهُهَا ثُمَّ يُغَسَّلُ ظَهْرُ كَفِّهَا» (ابن بابويه، ۱۴۱۳، ج ۱: ۱۵۶): مفضل بن عمر از امام صادق (علیه السلام) چنین می‌پرسد: جانم به فدایت. زنی که در سفر به همراه مردان نامحرم است و زن دیگری هم نیست و بمیرد، چگونه باید او را غسل داد؟ امام فرمودند: «آن قسمتی که خداوند در تیمم واجب نموده، باید غسل داد و نباید لمسی هم صورت بگیرد و همچنین نباید چیزی از محاسن و زیبایی‌های او که خداوند امر به پوشش آنها داده است، آشکار شود. بنابراین ابتدا کف دست سپس صورت و در آخر هم روی دست او را با تیمم، غسل دهید». در این روایت چیزهای که واجب نیست مستور بماند، بیان شده که مو جزو آنها نیست.

۲-۴- عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنِ الرَّضَا (عَلَيْهِ السَّلَام) فِي مَا كَتَبَهُ إِلَيْهِ مِنْ جَوَابِ مَسْأَلِهِ: «وَحَرَّمَ النَّظَرَ إِلَى شُعُورِ النِّسَاءِ الْمَحْجُوبَاتِ بِالْأَزْوَاجِ وَإِلَى غَيْرِهِنَّ مِنَ النِّسَاءِ لِمَا فِيهِ مِنْ تَهْيِيجِ الرِّجَالِ وَمَا يَدْعُو إِلَيْهِ التَّهْيِيجُ مِنَ الْفَسَادِ وَالذُّخُولِ فِيهَا لَا يَحِلُّ وَلَا يَجْمَلُ وَكَذَلِكَ مَا أَشْبَهَ الشُّعُورَ» (ابن بابويه، ۱۳۷۸، ج ۲: ۹۷): امام رضا (علیه السلام): «و خداوند نظر کردن به موی زنانی که در نکاح شوهرانشان هستند و همچنین غیر آنان از دیگر زنان را حرام کرده است زیرا این دیدن‌ها شهوت مردان را تحریک کند و به حرکت آمدن شهوت به فساد خواهد انجامید، و باعث ورود در عمل حرام و کارهای ناپسندیده و نامشروع می‌شود، و همچنین هر عضو دیگری غیر از موهای‌شان که باید بپوشانند».

۲-۵- عَنْ رَسُولِ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) قَالَ: «مَنْ اطَّلَعَ فِي بَيْتِ جَارِهِ فَتَنَظَرَ إِلَى عَوْرَةِ رَجُلٍ أَوْ شَعْرِ امْرَأَةٍ أَوْ شَيْءٍ مِنْ جَسَدِهَا كَانَ حَقًّا عَلَى اللَّهِ أَنْ يُدْخِلَهُ النَّارَ مَعَ الْمُنَافِقِينَ الَّذِينَ كَانُوا يَتَّبِعُونَ عَوْرَاتِ النِّسَاءِ فِي الدُّنْيَا وَلَا يَخْرُجُ مِنَ الدُّنْيَا حَتَّى يَفْضَحَهُ اللَّهُ وَيُبْدِيَ لِلنَّاسِ عَوْرَتَهُ فِي الْآخِرَةِ وَمَنْ مَلَأَ عَيْنَيْهِ مِنْ امْرَأَةٍ حَرَامًا حَشَاهُمَا اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ بِمَسَامِيرٍ مِنْ نَارٍ وَحَشَاهُمَا نَارًا حَتَّى يَفْضِيَ بَيْنَ النَّاسِ ثُمَّ يُؤْمَرُ بِهِ إِلَى النَّارِ» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲: ۱۹۴): کسی که به خانه همسایه‌اش چشم بیندازد و در این هنگام عورت مردی و یا موی زنی و یا قسمتی از بدن او را ببیند، بر خداوند است که او را وارد آتش به همراه منافقین نماید یعنی همان کسانی که به دنبال عورت زنان در دنیا هستند

و چنین کسی از دنیا خارج نمی‌شود مگر آنکه خداوند او را مفتضح و رسوا نماید و عورت او را برای مردم در روز قیامت نمایان می‌کند و کسی که دو چشم خود را از نگاه حرام به زنی پر کند خداوند چشمان او را در روز قیامت با میخ‌های آتشین پر نماید و چشمانش را پر از آتش می‌کند تا اینکه در برابر مردم محاکمه می‌شود سپس او را روانه جهنم می‌کنند». در این روایت برای دیدن موی زن، وعده عذاب در نظر گرفته شده است زیرا برای آنچه که دیدنش مجاز است، وعده عذاب داده نمی‌شود.

۲-۶- عن أمير المؤمنين علي بن أبي طالب (عليه السلام) قال: «دَخَلْتُ أَنَا وَفَاطِمَةُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) فَوَجَدْتُهُ يَبْكِي بُكَاءً شَدِيداً فَقُلْتُ: فِدَاكَ أَبِي وَأُمِّي يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا الَّذِي أَبْكَاكَ؟ فَقَالَ: يَا عَلِيُّ لَيْلَةُ أُسْرِي بِي إِلَى السَّمَاءِ رَأَيْتُ نِسَاءً مِنْ أُمَّتِي فِي عَذَابٍ شَدِيدٍ فَأَنْكَرْتُ شَأْنَهُنَّ فَبَكَيْتُ لِمَا رَأَيْتُ مِنْ شِدَّةِ عَذَابِهِنَّ وَرَأَيْتُ امْرَأَةً مَعْلَقَةً بِشَعْرِهَا يُغْلَى دِمَاعُ رَأْسِهَا وَ... فَقَالَتْ فَاطِمَةُ (عَلَيْهَا السَّلَامُ): حَبِيبِي وَقُرَّةَ عَيْنِي أَخْبِرْنِي مَا كَانَ عَمَلُهُنَّ وَسِيرَتُهُنَّ حَتَّى وَضَعَ اللَّهُ عَلَيْنَهُنَّ هَذَا الْعَذَابَ؟ فَقَالَ: يَا بَنِيَّتِي أَمَّا الْمَعْلَقَةُ بِشَعْرِهَا فَإِنَّهَا كَانَتْ لَا تُعْطَى شَعْرُهَا مِنَ الرَّجَالِ...» (ابن بابويه، ۱۳۷۸، ج ۲: ۱۱): امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمودند: «من و حضرت فاطمه (سلام الله علیها) بر پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) وارد شدیم و دیدیم آن حضرت گریه شدیدی می‌کنند. من عرض کردم: پدر و مادرم فدایت شوند؛ چه چیزی شما را به گریه انداخته است؟ فرمودند: ای علی در شبی که به سوی آسمان سیر داده شدم (معراج)، زنانی از امتم را در عذاب سختی دیدم و جایگاهشان را خوش نداشتیم و هنگامی که شدت عذابشان را دیدم گریه کردم و زنی را دیدم که از موهای خود آویزان شده و مغز سر او می‌جوشید ... حضرت فاطمه (سلام الله علیها) عرض کرد: حبیب من و روشنی چشم من؛ عمل و رفتار آن زنان چه بود که چنین عذابی را خداوند برای آنان وضع نمود؟ پیامبر اکرم فرمودند: دختر عزیزم اما آنکه از مویش آویزان بود به دلیل اینکه موهای خود را از مردان نامحرم نمی‌پوشاند به چنین عذابی دچار شد». در این روایت عذاب زنانی که موی خود را در برابر نامحرم نپوشانده‌اند بیان شده است.

۲-۷- عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) قَالَ: لَا يَصْلُحُ لِلْجَارِيَةِ إِذَا حَاضَتْ إِلَّا أَنْ تَخْتَمِرَ ... (مجلسی، ۱۴۱۱، ج ۲۰: ۳۷۰): امام باقر (علیه السلام): «هنگامی که دختر به سن بلوغ

رسید، باید موی خود را در برابر نا محرم بپوشاند». این روایت بیان می‌کند که پوشش در هنگام بلوغ ضروری است. بنا بر آنچه از روایات فراز آمد، مو جزو زینت است از این رو پوشیدن آن واجب است؛ «وَأَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ»؛ گویند زنان مدینه اطراف چارقد های خود را به پشت سر می‌انداختند، در نتیجه سینه و گردن و گوش‌ها آشکار می‌شد، آیه دستور داد که اطراف چارقد به گریبان‌ها بیاندازند، تا گردن، سینه و گوش‌ها مستور باشد. (نِسَائِهِنَّ)؛ منظور از (نِسَائِهِنَّ) زنان مؤمن است یعنی می‌توانند زینت خود را به زنان مؤمن نشان دهند اما نمی‌توانند در نزد زنان غیر مسلمان لخت شوند و زینت خود را نشان دهند، زیرا زنان غیر مسلمان مصونیت ایمانی ندارند و آنچه از زنان مسلمان دیده‌اند پیش شوهران خود نقل می‌کنند ولی زنان مؤمن آنچه دیده‌اند به شوهران خود نقل نمی‌کنند (قرشی، ۱۳۷۷، ج ۷: ۲۱۲). در «الکافی» از امام صادق (علیه السلام) که فرمودند: «لَا يَنْبَغِي لِلْمَرْأَةِ أَنْ تَنْكَشِفَ بَيْنَ يَدَيِ الْيَهُودِيَّةِ وَالنَّصْرَانِيَّةِ فَإِنَّهُنَّ يَصِفْنَ ذَلِكَ لِأَزْوَاجِهِنَّ؛ برای زن سزاوار نیست در نزد زن یهودی یا نصرانی زینت خود را نشان دهد، چون آن‌ها این را برای شوهران خود نقل می‌کنند» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵: ۵۱۹).

«أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ»؛ ظهور آن می‌رساند که زنان می‌توانند زینت خود را به مملوک خود چه غلام باشد و چه کنیز، نشان دهند. امام صادق (علیه السلام) در این باره فرمودند: «... لَا بَأْسَ أَنْ يَرَى الْمَمْلُوكُ الشَّعْرَ وَالسَّاقَ؛ مانعی ندارد که غلام، مو و ساق پای مالک خود را ببیند» (همان، ج ۵: ۵۳۱). بنابراین اگر غلامان، مو و ساق پای زنانی را که مالک آنان‌اند، ببینند، عیبی ندارد. البته قید "مأمون بودن" به مملوک در برخی روایات، تأکید شده است. از جمله امام صادق (علیه السلام) فرمودند: «لَا بَأْسَ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى شَعْرِهَا إِذَا كَانَ مَأْمُونًا» (همان). «أَوْ التَّابِعِينَ غَيْرِ أَوْلَى الْأَرْبَةِ مِنَ الرَّجَالِ»؛ یعنی شهوتی ندارد که او را به ازدواج محتاج کند، بنا بر روایات مراد ابله‌هان است که انسان سرپرست آن‌هاست، از این جهت به آن‌ها "تابع" گفته شده است که تابع سرپرست و وصی هستند (قرشی، ۱۳۷۷، ج ۷: ۲۱۳). از حضرت صادق (علیه السلام) در تفسیر آن چنین نقل شده است: «الْأَحْمَقُ الَّذِي لَا يَأْتِي النَّسَاءَ؛ مراد، کم‌خردی است که شهوت به زنان ندارد» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵: ۵۲۳). «أَوْ الطِّفْلُ الَّذِي لَمْ يَظْهَرُوا عَلَى عَوْرَاتِ النَّسَاءِ»؛ یعنی کودکانی که هنوز بالغ نشده و از عورت زنان و غریزه جنسی آگاه نشده‌اند (نجفی

خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۴: ۷۵). «وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ»؛ صاحب تفسیر «کنز الدقائق» می‌نویسد: «وهو أبلغ من النهي عن إظهار الزينة، وأدل على المنع من رفع الصوت؛ این دستور رساتر از از نهی از اظهار زینت است و دلالت بیش‌تری بر منع رفع صوت می‌کند» (قمی مشهدی، ۱۳۶۸، ج ۹: ۲۸۶). در واقع این دستور بیان می‌کند که زنان در رعایت عفت و دوری از اموری که آتش شهوت را در دل مردان شعله‌ور می‌سازد و ممکن است منتهی به انحراف از جاده عفت شود، آنچنان باید دقیق و سختگیر باشند که حتی از رساندن صدای خلخالی را که در پای دارند به گوش مردان بیگانه خودداری کنند، و این گواه باریک بینی اسلام در این زمینه است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۴: ۴۴۱) و می‌توان از این دستور، وجوب دوری زنان از آنچه که سبب برانگیختن مردان می‌شود را الهام گرفت (فضل الله، ۱۴۱۹، ج ۱۶: ۳۰۶) همچون عطر زدن و پوشیدن کفش صدادار و از این قبیل موارد (مدرسی، ۱۳۷۷، ج ۸: ۳۰۵).

کیفیت پوشش زنان

قرآن کریم در آیه‌ای، هشدار می‌دهد که انسان‌ها به انسان‌ها می‌دهد مبنی بر سابقه دشمنی شیطان با پدر و مادر بنی آدم که بر اثر وسوسه‌ها، لباس بهشتی را از اندام آنان بیرون کرد؛ بیان لطیف خداوند چنین است:

﴿يَا بَنِي آدَمَ لَا يَفْتِنَنَّكُمُ الشَّيْطَانُ كَمَا أَخْرَجَ أَبَوَيْكُمُ مِنَ الْجَنَّةِ يَنْزِعُ عَنْهُمَا لِبَاسَهُمَا لِيُرِيَهُمَا سَوْآتِهِمَا إِنَّهُ يَرَاكُمْ هُوَ وَقَبِيلُهُ مِنْ حَيْثُ لَا تَرَوْنَهُمْ إِنَّا جَعَلْنَا الشَّيَاطِينَ أَوْلِيَاءَ لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ﴾ (اعراف / ۲۷)

«ای فرزندان آدم! شیطان، شما را نفریبد چنانکه پدر و مادرتان را [با فریبکاریش] از بهشت بیرون کرد، لباسشان را از اندامشان بر می‌کشید تا شرمگاهشان را به آنان بنمایاند، او و دار و دسته‌اش شما را از آنجا که شما آنان را نمی‌بینید می‌بینند، ما شیاطین را سرپرست و یاران کسانی قرار دادیم که ایمان نمی‌آورند»

بنابراین یکی از کارهای شیطان، جلوه‌گری از طریق خودنمایی و عریان نمودن است که امروزه به گونه‌های مختلف شاهد آن هستیم از این رو خداوند متعال، تأکید ویژه روی پوشش انسان به ویژه زنان دارد. در خطابی به بانوان می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِمَ أَرَأَيْتُمْ لِبَنَاتِكُمْ وَبَنَاتِكِ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا﴾ (احزاب / ۵۹)

«ای پیامبر! به همسرانت و دخترانت و همسران کسانی که مؤمن هستند بگو: چادرهای‌شان را بر خود فرو پوشند [تا بدن و آرایش و زیورهای‌شان در برابر دید نامحرم قرار نگیرد]. این [پوشش] به اینکه [به عفت و پاکدامنی] شناخته شوند نزدیک‌تر است، و در نتیجه [از سوی اهل فسق و فجور] مورد آزار قرار نخواهند گرفت و خدا همواره بسیار آمرزنده و مهربان است»

جَلَابِيب جمع جِلْبَاب و به معنی جامه بلند و گشادی است که تمام بدن را می‌پوشاند که همان چادر است (مصطفی ابراهیم و دیگران، ۱۴۱۰، ج ۱: ۱۲۸). منظور از (يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ) یعنی اطراف آن را به طرف بدن خود جمع کنند (قرشی، ۱۳۷۷، ج ۸: ۳۹۳) نه اینکه آن را آزاد بگذارند به طوری که گاه و بیگاه کنار رود و بدن آشکار گردد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۷: ۴۲۸). موارد خاصی در احکام وجود دارد که حکم کلی را استثنا می‌زند؛ یکی از این موارد حجاب زنان سال خورده است. قرآن کریم در این باره می‌فرماید:

﴿وَالْقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ اللَّاتِي لَا يَرْجُونَ نِكَاحًا فَلَيْسَ عَلَيْهِنَّ جُنَاحٌ أَنْ يَضَعْنَ ثِيَابَهُنَّ غَيْرَ مُتَبَرِّجَاتٍ بِزِينَةٍ وَأَنْ يَسْتَعْفِفْنَ خَيْرٌ لَهُنَّ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ﴾ (نور / ۶۰)

«و بر زنان سالخورده که امید ازدواجی ندارند، گناهی نیست که حجاب و روپوش خود را کنار بگذارند، در صورتی که با زیور و آرایش خویش قصد خودآرایی نداشته باشند. و پاکدامنی برای آنان بهتر است و خدا شنوا و داناست»

در واقع برای این استثنا دو شرط وجود دارد: نخست اینکه به سن و سالی برسند که معمولاً امیدی به ازدواج ندارند، و به تعبیر دیگر جاذبه جنسی را کاملاً از دست داده‌اند. و «الْقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ» بیانگر این شرط است؛ قعود به معنی جلوس است به معنی بازنشست که دیگر رغبتی در نکاح آن‌ها نیست (طیب، ۱۳۷۸، ج ۹: ۵۶۱). دیگر اینکه در حال برداشتن حجاب، خود را زینت نمایند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۴: ۵۴۲). بر

اساس روایات، منظور از "ثیاب" در آیه، خِمار (لباسی که سر را می‌پوشاند مثل مقنعه و روسری) و جلیباب (لباسی که کل بدن را در بر گیرد مثل چادر) است. در ادامه، راوی از امام صادق (علیه السلام) پرسش می‌کند: برداشتن حجاب در نزد هر کس که باشد؟ آن حضرت فرمودند: «بَيْنَ يَدَي مَنْ كَانَ غَيْرَ مُتَبَرِّجَةٍ بِزِينَةٍ فَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَهُوَ خَيْرٌ لَهَا؛ در نزد هر کس که باشد (به شرط آنکه) آرایش نکرده باشد و اگر حجاب را بر ندارد برای او بهتر است» (بحرانی، ۱۴۱۶، ج ۴: ۹۹).

کیفیت نگاه به زنان

یکی از ویژگی‌های دین اسلام، باریک‌بینی‌ها در حوزه‌های مختلف است؛ این باریک‌بینی‌ها به صورت "توجه دادن" انسان به اموراتی است که نقش اساسی در سرنوشت دو دنیای او دارد. در واقع خداوند متعال از این طریق می‌خواهد انسانی را تربیت کند تا در پرتو آن، هم حیات طیبه او محقق شود و هم آخرت او آباد شود. یکی از این موارد بحث نگاه کردن است که آدابی برای آن در متون اسلامی گزارش شده است. خداوند متعال در آخرین کتاب آسمانی می‌فرماید:

﴿قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَ لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ ۝ وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ﴾ (نور / ۳۰ و ۳۱)

«به مردان مؤمن بگو: چشمان خود را [از آنچه حرام است مانند دیدن زنان نامحرم و عورت دیگران] فرو بندند، و شرمگاه خود را حفظ کنند، این برای آنان پاکیزه‌تر است، قطعاً خدا به کارهایی که انجام می‌دهند، آگاه است* و به زنان باایمان بگو: چشمان خود را از آنچه حرام است فرو بندند، و شرمگاه خود را حفظ کنند»

امام صادق (علیه السلام) در حدیثی فرمودند: «وفرض الله على البصر أن لا ينظر إلى ما حرم الله عليه، وأن يعرض عما نهى الله عنه مما لا يحل له، وهو عمله، وهو من الإيمان، قال الله تبارك وتعالى: «قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ» فنهاهم أن ينظروا إلى عوراتهم، وأن ينظر المرء إلى فرج أخيه، ويحفظ فرجه أن ينظر إليه، وقال: «وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ» من أن تنظر إحداهن إلى فرج

أختها، وتحفظ فرجها من أن ينظر إليها؛ و خداوند واجب نمود که انسان به آنچه خدا بر او حرام کرده است، نگاه نکند و از آنچه برای او حلال نیست، روی برگرداند و این همان عمل اوست که ناشی از ایمان است. خداوند متعال فرموده است: «قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ» مراد آن است خداوند مردان مؤمن را از نگاه کردن به عورت یگدیگر و برادرانشان نهی کرده و همینطور از آنان خواسته که اجازه ندهند که به عورت آنان نگاه شود و فرمود: «وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ» خداوند در این آیه به زنان دستور داده تا به عورت یگدیگر نگاه نکنند و عورت خود را پوشیده نگاه دارند تا دیگران عورت آنان را نبینند» (بحرانی، ۱۴۱۶، ج ۴: ۵۹).

نتیجه بحث

زن زمانی خواهد توانست به جایگاه و کارکرد حقیقی خود در جامعه دست یابد که در چارچوب احکام تبیین شده شریعت برای خود حرکت نماید. شریعت برای او احکام متعددی در حوزه زینت و پوشش در نظر گرفته است؛ زینت زنان دو گونه است: نخست زینت‌هایی که تا زن آن‌ها را آشکار نکند، آشکار نمی‌شوند مانند گوشواره، گردنبند، موی سر، لباس‌های زینتی که زن از زیر لباس ظاهری می‌پوشد و مانند آن، این زینت‌ها آشکار نمودنش حرام است. دیگری زینت‌هایی است که قهراً برای رفع حوائج مادی آشکار می‌شوند، مانند سرمه چشم، خضاب دست، انگشتر، لباس تازه که زن از رو پوشیده است و مانند آن. در خصوص کیفیت پوشش ایشان، احکام گوناگونی در مورد پوشانیدن مو و اندام بدن بیان شده و در این میان مستثنیاتی نیز ذکر شده است که می‌تواند سبب قوام اجتماعی زنان گردد. در نهایت در این تحقیق نگارنده بدین نتیجه رسیده است که خداوند در وجود زن، زیبایی‌هایی را به ودیعت نهاده است که ابراز و اظهار آن در برابر دیدگان اجنبی، سبب فسادهای گسترده در حوزه فردی و اجتماعی خواهد شد. به همین سبب آیات و روایات شریفه به تبیین کیفیت پوشش زنان از ناحیه رسالت زنانگی و کیفیت نگاه بدان‌ها از ناحیه رسالت مردانگی پرداخته است تا این مهم تحقق پذیرد.

کتابنامه

قرآن کریم.

- ابراهیم و دیگران. ۱۴۱۰ق، **المعجم الوسیط**، مصطفی، استانبول: دار الدعوة.
- ابن بابویه، محمد بن علی. ۱۳۷۸ش، **عیون أخبار الرضا علیه السلام**، تهران: نشر جهان.
- ابن منظور، محمد بن مکرم. ۱۴۱۱ق، **لسان العرب**، قم: جامعه مدرسین.
- بحرانی، سید هاشم. ۱۴۱۶ق، **البرهان فی تفسیر القرآن**، تهران: بنیاد بعثت.
- حسینی شاه عبدالعظیمی، حسین بن احمد. ۱۳۶۳ش، **تفسیر اثنا عشری**، تهران: انتشارات میقات.
- شریف الرضی، محمد بن حسین. ۱۴۱۴ق، **نهج البلاغة**، محقق: صبحی صالح، قم: هجرت.
- طباطبایی، سید محمد حسین. ۱۴۱۷ق، **المیزان فی تفسیر القرآن**، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طبرسی، فضل بن حسن. ۱۳۷۲ش، **مجمع البیان فی تفسیر القرآن**، تهران: انتشارات ناصرخسرو.
- طوسی، محمد بن الحسن. ۱۴۰۷ق، **تهذیب الأحکام**، تهران: دار الکتب الإسلامیه.
- طیب، سید عبدالحسین. ۱۳۷۸ش، **اطیب البیان فی تفسیر القرآن**، تهران: انتشارات اسلام.
- عیاشی، محمد بن مسعود. ۱۳۸۰ش، **تفسیر العیاشی**، تهران: المطبعة العلمیه.
- فضل الله، سید محمد حسین. ۱۴۱۹ق، **تفسیر من وحی القرآن**، بیروت: دار الملائک للطباعة والنشر.
- فلاح زاده، محمد حسین. ۱۳۹۰ش، **احکام ویژه بانوان**، قم: نشر معروف.
- قرائتی، محسن. ۱۳۸۳ش، **تفسیر نور**، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- قرشی، سید علی اکبر. ۱۳۷۷ش، **تفسیر احسن الحدیث**، تهران: بنیاد بعثت.
- قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا. ۱۳۶۸ش، **تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب**، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی.
- قمی، علی بن ابراهیم. ۱۳۶۷ش، **تفسیر قمی**، قم: دار الکتب.
- کلینی، محمد بن یعقوب. ۱۴۰۷ق، **الکافی**، تهران: دار الکتب الإسلامیه.
- مجلسی، محمدباقر. ۱۴۰۳ق، **بحار الأنوار**، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- مدرسی، سید محمد تقی. ۱۳۷۷ش، **تفسیر هدایت**، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- مصطفوی، حسن. ۱۳۸۰ش، **تفسیر روشن**، تهران: مرکز نشر کتاب.
- مکارم شیرازی، ناصر. ۱۳۸۷ش، **تفسیر نمونه**، قم: مدرسه امیرالمؤمنین.
- نجفی خمینی، محمد جواد. ۱۳۸۹ش، **تفسیر آسان**، تهران: انتشارات اسلامیه.

Bibliography

- Ibrahim and others. 1410 AH, Al-Wasit Dictionary, Mustafa, Istanbul: Dar Al-Dawa.
- Ibn Babawiyah, Muhammad ibn Ali 1999, Ayoun Akhbar al-Reza, Tehran: Jahan Publishing.
- Ibn Manzur, Muhammad ibn Makram. 1411 AH, Arabic Language, Qom: Society of Teachers.
- Bahrani, Seyed Hashem. 1416 AH, Al-Burhan Fi Tafsir Al-Quran, Tehran: Ba'ath Foundation.
- Hosseini Shah Abdul Azimi, Hussein bin Ahmad. 1984, Tafsir Asnaashari, Tehran: Miqat Publications.
- Sharif al-Radhi, Muhammad ibn Husayn. 1414 AH, Nahj al-Balaghah, researcher: Subhi Saleh, Qom: Hijrat.
- Tabatabai, Seyed Mohammad Hussein 1417 AH, Al-Mizan Fi Tafsir Al-Quran, Qom: Islamic Publications Office of Qom Seminary Teachers Association.
- Tabarsi, Fadl Ibn Hassan 1993, Majma 'al-Bayan fi Tafsir al-Quran, Tehran: Naser Khosrow Publications.
- Tusi, Muhammad ibn al-Hassan 1407 AH, Tahdhib al-Ahkam, Tehran: Dar al-Kitab al-Islamiya.
- Tayyib, Sayyid Abdul Hussein 1999, Atib al-Bayan fi Tafsir al-Quran, Tehran: Islam Publications.
- Ayashi, Muhammad ibn Mas'ud. 2001, Tafsir al-Ayashi, Tehran: Scientific Press.
- Fazlullah, Sayyid Muhammad Hussein 1419 AH, interpretation of the revelation of the Qur'an, Beirut: Dar al-Malak for printing and publishing.
- Fallahzadeh, Mohammad Hussain 1390, special rules for women, Qom: famous publication.
- Qaraati, Mohsen 2004, Tafsir Noor, Tehran: Cultural Center Lessons from the Quran.
- Ghorashi, Seyed Ali Akbar 1998, Tafsir Ahsan Al-Hadith, Tehran: Besat Foundation.
- Qomi Mashhadi, Mohammad bin Mohammad Reza. 1989, Tafsir Kanz al-Daqaiq wa Bahr al-Gharaib, Tehran: Printing and Publishing Organization of the Ministry of Islamic Guidance.
- Qomi, Ali Ibn Ibrahim. 1988, Tafsir Qomi, Qom: Dar al-Kitab.
- Klini, Muhammad ibn Ya'qub 1407 AH, Al-Kafi, Tehran: Islamic Books House.
- Majlisi, Mohammad Baqir 1403 AH, Sea of Lights, Beirut: Dar Al-Ihyaa Al-Tarath Al-Arabi.
- Modarressi, Seyed Mohammad Taqi 1998, Tafsir Hedayat, Astan Quds Razavi Islamic Research Foundation.
- Mustafavi, Hassan 2001, Tafsir Roshan, Tehran: Book Publishing Center.
- Makarem Shirazi, Nasser. 2008, Sample Interpretation, Qom: Amir al-Mo'menin School.
- Najafi Khomeini, Mohammad Javad 2010, Easy Interpretation, Tehran: Islamic Publications.

The Quality of Women's Hijab based on Verses and Hadiths

Hossein Rahmani Tirkolae

Abstract

Women in the Dark Age lacked the necessary human dignity, and the degrading or instrumental view of them made them a commodity for the pursuit of greater interests. With the advent of Islam, a wide range of rulings were placed in order to restore the dignity of women, the most important of which was the issue of hijab. Proper culture-building of this issue in society requires a correct and comprehensive understanding of this issue, which has forced the author to explain the quality of women's hijab in this study. This study includes the analysis of women's adornment, the quality of their clothing and the quality of looking at them, and the author has concluded that God has bequeathed beauties in women that expressing them in front of foreign eyes has caused widespread corruption in the individual and social fields. For this reason, the Verses and hadiths have explained the quality of women's clothing in terms of the mission of femininity and the quality of looking at them in terms of the mission of masculinity in order to achieve this important goal.

Keywords: woman, hijab, veil, beauty, look.